



• پنج‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۳۷

حدیث‌روز

امام موسی کاظم(ع): مال حرام افزون نمی گرددو اگر هم افزون گردد برکت نمی یابد.

الکافی

ذکرروز پنج شنبه

صد مرتبه «لا اله الا...الملك الحق المبین»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی محمدو آل محمد»

در محضر بزرگان

عرفان سیمی

آیت ا... فاطمی نیامی فرمایند:

«دوره ای شده که همه چیز صاحب دارد غیر از دین و معارف. همه متولی دین شده اند. اگر در باره طب بخواهیم صحبت کنیم، باید آقای دکتر بیاید. اما دین؛ طرف می نشیند چشمش را هم می بندد و می گوید: فکر می کنم فلان آقا اشتباه کرده، فلان چیز حلال است و... دین به همین سادگی است؟ همه الان صاحب معارف شده‌اند. همه عارف شده‌اند. به جوانی گفتم چرا می روی فلان جا؟ گفت حاج آقا سیمش متصل است. گفتم تو مبتدی هستی، سیم را هم تشخیص می دهی؟ من اسم این عرفان را گذاشتم عرفان سیمی، هر کسی را بهر کاری ساختند، متخصص مهم است. یک آسپهرین ما از دست غیر متخصص نمی خوریم بعد در باره دین...»

عصر ایران

حکایت

حق‌الیقین

شیخ ابوسعید ابوالخیر می گفت: روزی پیش پیری عالم افروز رفته و او را خاموش دیدم. به او گفتم: «ای پیر بزرگوار، سخنی بفرمای که ما را به کار آید.» پیر گفت: «ای پُرسنده، می دانی که جز حق در دست و جوی چیززی نیستم و من از وی چه می توانم بگویم. خاموشی من از آن است که از حق‌الیقین هیچ سخنی نمی‌توان بر زبان آورد.»

ولی آن چیز کآن حق‌الیقین است

بنتوان گفت، خاموشی‌م از این است

برگرفته از «الهی نامه، عطار

بریده کتاب

همیشه فرصت نداریم

چه کارهایی که می‌بایست بکنیم و هرگز نکرديم! برای این که به ملاحظاتى پابند بوديم، فرصتى مناسب را انتظار مى کشيديم، تبلى مى کرديم و برای این که مدام به خود مى گفتيم: «چیزی نیست، همیشه فرصت خواهیم داشت.» زیرا نمى دانستيم هر روزی که مى گذرد، بى جانشين و هر لحظه ناپاىفتنى است. تصميم گيرى، تلاش و عشق روزی را به وقتى ديگر وانهاده بوديم.

برگرفته از «مانده‌های مینى» اثر آندره ژید

سخن بزرگان

• منطق عقلی هر قدر هم محکم باشد تا با احساسات توأم نشود کوچک ترین نفوذی در دل انسان نمى کند.

• بزهکاری جز نمایاندن یک شخصیت فاقد

توازن، چیز دیگری نیست.

• هر کس را مى بینم از یک حیث بر من برترى

دارد از این جهت است که من از هر کس پندى

مى گیرم و چیزی مى آموزم.

• خنده بهترین اسلحه جنگ با زندگى است.

آنا تول فرانسه

برگرفته از کتاب «رهنمون» تالیف غلامحسین ذوالفقارى

قرار مدار



اندکی صبر

دلتنگ

دلتنگم،

دلتنگ توام به وسعت روزهایی که گمان می کردم

می توانم نبینمت

می توانم نبینمت؟

فرضی محال

دلتنگ توام، هر روز

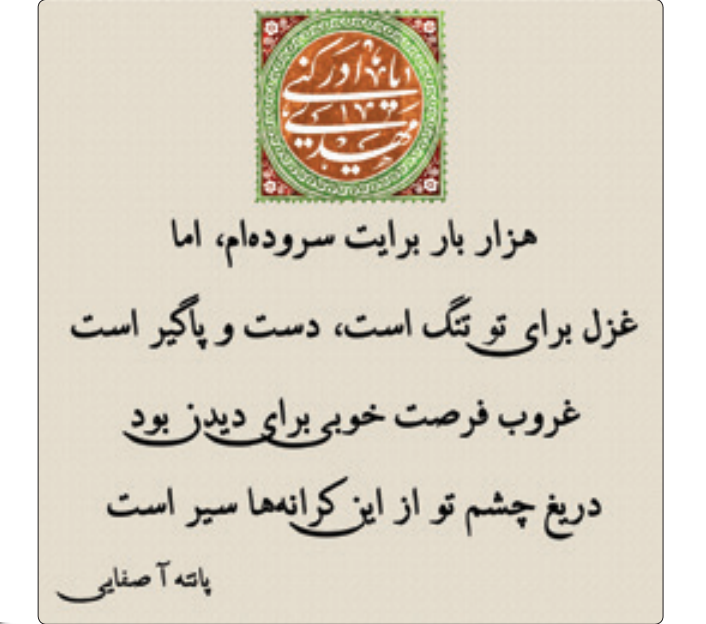
کاش نمی دیدمت...

دنیا به روایت تصویر



تاس| از مایشگاه ساخت مجسمه‌های مدل برای آموزش پزشکی، روسیه

فتوشعر انتظار



با کاروان کربلا

نصربن ابی نیزر حبشیّ مدّنی

نوه پادشاه حبشه، غلام سید الشهدا(ع)

همه ما از کودکی با شنیدن ماجرای کربلا بزرگ شده ایم. ذکر مصیبت‌های عاشورا در جان‌مان پیچیده و تک‌تک وقایع «روز واقعه، جلوی چشمان‌مان جان‌گرفته‌است. در این سلسله مطالب می‌خواهیم با کاروان کربلا همسفر شویم و با شخصیت‌های تأثیرگذار صحرای کربلا که کمتر می‌شناسیم‌شان یا حتی اصلاً نام‌شان به گوش‌مان نخورده‌است، بیشتر آشنا شویم.

«نصر» فرزند «ابی نیزر» است که او از کودکی به اسلام گرایش یافت، از این‌رو خدمت پیامبر اکرم(ص) آمدو مسلمان شدو تحت‌تعالیم رسول خدا(ص) قرار گرفت. وی از خدمت‌گزاران و یاران امام‌علی(ع)، امام‌حسن(ع) و امام‌حسین(ع) به‌شمار می‌رفت. به‌تغلی، ابی‌نیزر فرزند نجاشی (پادشاهی که مسلمانان پس از هجرت به حبشه و نزد او پناه‌بردند) بود. امام‌علی(ع) او را نزد تاجری مکی یافت و او را خرید و آتش کرد. او برای همیش‌ه در مدینه اقامت‌گزید و در نخلستان امام‌علی(ع) و در خدمت او کشاورزی می‌کرد. نقل‌است که پس از مرگ نجاشی مردم حبشه به مدینه آمدند تا تنها بازمانده پادشاه‌شان یعنی ابی نیزر را برای پادشاهی به حبشه ببرند؛ اما او نپذیرفت و گفت: «یک ساعت در خدمت رسول خدا(ص) بودن برایم از یک عمر پادشاهی شما در حبشه برتر است.» پس از حلت رسول‌خاتم(ص) او در خدمت حضرت زهرا(س) و فرزندانش قرار گرفت. ابی نیزر در ماجرای حفر چاه و قناتی که به نام او اختصاص یافت، یعنی «عين ابی نیزر» و «غبنیغه»، در خدمت علی(ع) بود و امام در متن آن وقف‌نامه از او نام برده‌اند.

نصر که فرزند چنین آزادمردی بود، همچون پدرش از یاران امام‌علی(ع) و پس از آن از علاقه‌مندان اباعبدا... الحسین(ع) بود. او از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا حضرت حسین(ع) را همراهی کرد. نصر جنگجویی شجاع بود. این فرزند خلف «ابی نیزر» همان روحیه پدر را داشت و در پاسخ امام حسین(ع) هنگامی که او را اجازه بازگشت دادند و بیعت را چون بقیه یاران از او برداشتند، این‌گونه گفت: «نه، به خدا، هر گز و هر گز... اگر رفتنی بودیم به این جا نمی‌آمدیم.» شاید منظورش این بود که اگر عافیت طلب بودم آن‌زمان که پدرم را

برای پادشاهی خواندند به حبشه بازگشته بودم. نصر یکی از ۱۵ غلامی بود که در کاب سیدالشهدا(ع) جنگید. او جزو سواره نظام لشکر امام(ع) محسوب می‌شد تا این که اسبش پی‌شد. پس پیاده به نبرد پرداخت تا این که در راه دفاع از مولاۃی خویش شربت شهادت نوشید.

منبع: ویکی‌فقه و تبیان

غلط‌نویسیم

گذاشتن و گزاردن

«گذاشتن» در معنی حقیقی به معنی قرار دادن چیزی به طور عینی و مشهود در جایی است، مانند: او کتاب را در قفسه گذاشت. «گذاشتن» در معنی مجازی به معنی بی انداختن، وضع می‌شود که غلط است. شکل درست این چند نمونه را به یاد داشته باشیم:

وضع کردن نام برای چیزی است.

«گزاردن» نیز به معنای به جا آوردن، ادا کردن و انجام دادن است، مانند: نماز گزاردن (ادا کردن نماز) و کار گزار (انجام‌دهنده کار). مناسفانه در فضای مجازی به جای «بذار» از «بزار» استفاده می‌شود که غلط است. شکل درست این چند نمونه را به یاد داشته باشیم:

بنیان‌گذاری، ارزش‌گذاری، بارگذاری، تأثیرگذاری، سیاست‌گذاری، علامت‌گذاری، قیمت‌گذاری، سرمایه‌گذاری، واگذاری، سپرده‌گذاری.

و: برگزاری، سپاس‌گزاری، حج‌گزاری، خبرگزاری، خواب‌گزاری، خدمت‌گزاری، شکر‌گزاری، نماز‌گزاری، گله‌گزاری.

برگرفته از کانال «زین‌قند پارسی» علیرضا حیدری

پرونده‌های مجهول



فرانس پرس| بازماندگان توفان، ژاپن

از شما



احترام به طبیعت

روستای قلعه جوق، تربت حیدر یه، عکس از حسین وظیفه دوست

دور دنیا

قارچ وحشتناک

بورد پاندا– این گیاه که در نگاه اول شبیه گیاه خونخواری در فیلم‌های ترسناک به نظر می‌رسد، در حقیقت نوعی قارچ است که در استرالیا رشد می‌کند. این قارچ از پيله‌ای شبیه تخم بیرون می‌آید و بوی بسیار بدی هم دارد. حُرکت این که عده‌ای که علاقه مند به پرورش گیاهان هستند، از این قارچ به عنوان ترینین باغچه خود استفاده می‌کنند!



آدیتی سنترال– شعبه پیتزا دومینو در روسیه برای طرفداران پرو پا قرصش طرح جدیدی ارائه کرده است. هر کسی که حاضر شود، آرم پیتزا دومینو را روی قسمتی از بدنش که قابل دیدن است تتو کند، می‌تواند تا صد سال، هر سال ۱۰۰ پیتزای رایگان دریافت کند! استقبال از این طرح به قدری زیاد

بوده است که روزانه صدها نفر، عکس خالکوبی هایشان را برای پیتزا دومینو ارسال می‌کنند!



کابین محافظ صفحه نمایش– کارونا گنجیوان، هنرمند ژاپنی که به ساختن وسایل کارآمد مشهور است، به تازگی نوعی کابین برای مانیتور مناسب محل کار، مدارس و اداره‌ها طراحی کرده است تا افرادی که علاقه ای ندارند دیگران صفحه مانیتورشان را ببینند، از آن استفاده کنند. این شل‌های تقسیم‌کننده روبه‌روی مانیتور قرار می‌گیرد و توسط بقیه افراد دیده نمی‌شود.



طراح خورشید سچولی



ارائه می‌شوند بسیار گنج‌کننده‌اند به طوری که این فرضیه را مطرح می‌کنند که فیلم دستکاری شده‌است.

یک فیزیکدان نجوم در توضیح این فیلم گفت: «بی‌شک، کلارک» علاقه‌مند سینما پس از یک توجه قرار دارد اما حتی اگر سفر در فضا و زمان ممکن باشد بسیار غیر محتمل است. هیچ راهی وجود ندارد که این زن از طریق آن قادر باشد چیزی بزرگ‌تر از یک دره درون اتمی را با خود حمل کند.»

بر اساس گزارش تایم، در باره این ویدیو که تاکنون صدها هزار بازدیدکننده داشته‌است

این زن احتمالاً مشکل شنوایی داشته و این دستگاه احتمالاً نوع جدیدی از سمعکی به نام «سمع‌آلودی فن کرینی مدل ۸۳۴» و سترن

الکترونیک» بوده که شرکت زمینس در سال ۱۹۲۴ اختراع کرده‌است. این دستگاه یک



تلگراف| نجات یک غار زخمی از رودخانه، اکراین

تفال

آن غالبه خط‌گر سوی مانامه نوشتی
هر چند که هجران ثمر وصل برآرد

گردون ورق هستی مادر نوشتی
دهقان جهان کاش که این تخم نکشتی

خاطرات پیک موتوری

وقتی ویزا اتمام می‌شود

ناصر علیرضایی

سروان ما را به سمت موتور سیکلت هدایت کرد. غم‌توی چهره پسر جوان موج می‌زد، نتوانستم حرفی بزنم، موتور سیکلت را روشن کردم و با اکراه سوار شدیم، ناگهان دیدم مأمور داخل کیوسک با عجله بیرون پرید، ما را صدا زد و دوپسر جوان را به داخل ساختمان هدایت کرد. نیم ساعت بعد جوان شادی کنان آمد و خودش را انداخت توی بغلم و های‌های گریه. ماچرا از این قرار بود: چندی پیش دونفر انگشتی فروشی بود می‌شوند و یکی از آن‌ها انگشتی را به همراهش نشان می‌دهد و با حسرت می‌گوید: «این دقیقاً مثل اونیه بود که گم شد.» عباس که شاهد گفت و گوی آن دو نفر بوده، می‌فهمد کربلایی هستند. انگشتی را عباس می‌آورد. می‌پرسند قیمتش چند است و عباس می‌گوید: «هر سم یادگاری و به عشق امام حسین(ع) و با اجازه آن‌ها روی نگین حک می‌کند (لیلیک یا حسین(ع))». از قضای روزگار آن‌آقا که کارمند سفارت بوده در آن لحظه از پشت پنجره عباس را می‌بیند و می‌شناسد و بقیه قضایا. روز بعد عباس ویزا و بلیت در جیب رفت که بگوید «لیلیک یا حسین(ع)».

چند روز مانده بود به اربعین، توی خیابان جوانی برایم دست تکان داد و گفت: «میشه من رو به چند تا آژانس صدور ویزای عراق ببرید تا بلکه موفق بشم ویزا بگیرم؟» گفتم بله و راه افتادیم. هر جا می‌رفتیم می‌گفتند سیستم بسته شده و دیگر ویزا صادر نمی‌شود. بعد از یکی، دو ساعت جوان مسافر که مایوس شده بود گفت: «من بلیت دارم ولی ویزا ندارم، قرار بود بلیت و ویزا از یک جا بگیرم اما نشد حالا به این مصیبت گرفتار شدم.» با دیدن چهره غمگین جوان خیلی دلم سوخت. دوست داشتم هر کاری بکنم بلکه بتواند ویزا بگیرد. به او گفتم یک یا حسین(ع) بگو و برویم سفارت عراق. اگر سیدالشهدا(ع) تو را طلبیده باشند، بقیه اش را هم خودشان درست می‌کنند. هنوز موتور سیکلت جلوی سفارت متوقف نشده بود که مأموری گفت: «حرکت کن آقا... ویزا تموم شده...» شروع کردم ذکر گفتن و صلوات فرستادن... رفتم سمت مأموران و موقع را تعریف کردم. چشمم به پنجره ساختمان سفارت افتاد، دیدم یک نفر دار دخیره به ما نگاه می‌کند و ظاهراً کسی را صدا زد که او هم آمد پشت پنجره و چند لحظه‌ای به ما زل زد. جناب

ترسناک

اتوبوس وحشت



از وقتی که دانشجوی شهر دیگری شده بود، سعی می‌کرد به جای هواپیمای هر بار با اتوبوس به شهرشان برود تا پول توجیبی اش را پس‌انداز کند. معمولاً با اتوبوس‌های شبرو می‌رفت تا بتواند راحت‌تر بخوابد. زمستان بود و اتوبوس تقریباً خلوت. صندلی کناری اش مسافر نداشت. هدفونش را به گوشش زد و چشم‌هایش را روی هم گذاشت. چند دقیقه بعد حس کرد اتوبوس سرعت گرفته است، چشم‌هایش را باز کرد. خبری از راننده و شاگردش و مسافران نبود. اتوبوس خالی با سرعت در جاده می‌تاخت و ممتد بوق می‌زد. صدای خنده‌ای از صندلی کناری اش شنید.

ع.ک

ماوشما

راه‌های ارتباطی با ما: پیامک ۰۹۹۹۶۶۲۰۰۳۹۱۵۲۰۹۲۱۵۲۰ در تلگرام

• خیابان‌آبادی، فرشته آسمانی من، عزیزترینم، سالروز زمینی‌شدنت گرامی.
• من دیگه نمی‌تونم زندگی سلام بخونم.
• چون جدول روزگداشتین داخل این صفحه‌و پدرم و اواسه جدول این صفحه‌رو بر می‌دارن.
• میشه خواهش کنم جدول روز داخل زندگی سلام بردارین؟
سپاس گزارم.
• چه خوب است در این روزهای پر حزن و اندوه سال، یک ستون برای چاپ شعر عاشورایی اختصاص دهید.
• خدا را شکر گزارم که باز نشسته شدم و در کنار همسر دلبندم سکینه خوش سیما زندگی خوش‌مان ادامه دارد.

• تو زندگی من از محبت هیچ خاری گل حذف کنیدی. آخه کی میاد به خطر ند بگه سر راست؟ بعضی کلمات بین مردم جا افتاده دیگه نمیشه عوضش کرد. بعضی مطالب تون قشنگ معلومه از نداشتن طلبه. چیزهای خنک و لوس که حال آدم بد میشه میخوندشون.
• همسر عزیزم آقای مجتبی دلشاد

منبع: شهر و theatlantic.com

زندگی سلام تکهانی

قبلا چرا ما رو بیشتر دوست داشتین؟ الان چرا این‌طوری نیست؟ اصلاً شاید الان حس بهتری نسبت به زندگی سلام دارین که قبلاً نداشتین. خلاصه هر روز از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ با شماره ۰۹۳۶۶۰۹۱۳۷۰۵ تماس بگیرین و بگین چرا به نظر شما قبلاً بهتر یا بدتر بودیم؟ چه کار کنیم تا خوب‌تر بشیم؟ چه حرکتی بزنیم بدتر نشیم؟ سیدمصطفی صابری، معاون سردبیر روزنامه و دبیر زندگی سلام، شنونده نظرات شماست.

CMYK